



لازمه حاکم در مدینه فاضله، فلسفه دانستن است/ بدون دانستن علوم نظری، نمی توان رئیس مدینه بود

مدیر گروه فلسفه دانشگاه تبریز با بیان اینکه خواجه نصیر در آثار اخلاقی خویش، خوبی را همان سعادت دانسته و تأکید داشته که سعادت انسان با تکمیل قوه نظری و قوه عملی به دست می آید...

مدیر گروه فلسفه دانشگاه تبریز با بیان اینکه خواجه نصیر در آثار اخلاقی خویش، خوبی را همان سعادت دانسته و تأکید داشته که سعادت انسان با تکمیل قوه نظری و قوه عملی به دست می آید، گفت: فیلسوف کامل کسی است که علوم نظری را تحصیل کرده و توانایی بکارگیری آنها را در عمل داشته باشد.

دکتر مرتضی شجاری در پاسخ به این سوال که مدلول واژه های اخلاقی، همچون خوبی و بدی یا حسن و قبح از نظر خواجه نصیر الدین طوسی چیست؟ به خبرنگار مهر پاسخ داد: خواجه نصیر طوسی عقل را بسیار حرمت می نهاد. وی تحت تأثیر فلسفه مشائی و در مقابل اشعریان که خوبی و بدی را شرعی می دانستند، بر این باور بود که عقل، حاکم خوبی و بدی است؛ یعنی عقل می تواند تعیین کند که چه افعالی خوب و کدام افعال بد است و از آنجا که شارع مقدس (خداوند) نیز عاقل و حاکم عقل است، بنابراین هر فعلی که از نظر عقلی، خوب است، از نظر شرعی نیز نیکو خواهد بود. در واقع مبنای هر جامعه انسانی می تواند - جدای از اوامر و نواهی الهی - دارای اخلاق فاضله اجتماعی باشد. البته خواجه نصیر در آثار خویش با استفاده از آیات قرآن و احادیث اسلامی، اخلاق عقلانی را تأیید کرده است.

وی افزود: خواجه نصیر در آثار اخلاقی خویش، خوبی را همان سعادت دانسته و بر این امر تأکید کرده است که سعادت انسان با تکمیل قوه نظری و قوه عملی به دست می آید. از نظر وی هدف انسان در زندگی رسیدن به سعادت است و سعادت تنها از طریق علم حاصل می شود؛ زیرا علم، نور است و جهل، ظلمت. علم حقیقی نیز عمل نیک را در پی دارد. از نظر وی، یکی از موجبات حصول سعادت فضیلت های نظری است و مقصود از آنها علومی اند که هدف غایی از آنها شناخت موجودات است. بنابراین فلسفه وسیله ای برای رسیدن به سعادت است.

دانشیار دانشگاه تبریز تصریح کرد: همچنان که یکی دیگر از موجبات سعادت، علوم عملی است از این رو فیلسوف کامل کسی است که علوم نظری را تحصیل کرده و توانایی بکارگیری آنها را در عمل دارد. کما اینکه لازمه حاکم در مدینه فاضله، فلسفه دانستن است و بدون دانستن علوم نظری، نمی توان رئیس مدینه بود، فیلسوفی که نتواند از علم خود در عمل سود ببرد، فیلسوف حقیقی نیست؛ از این روست که معمولاً به رئیس مدینه فاضله لفظ «حکیم» اطلاق می شود. از دیدگاه خواجه نصیر، تکمیل قوه نظری به گونه ای که موجب عمل به مقتضای آن شود و سعادت را نصیب آدمی سازد، فقط با اتصال به عقل فعال و استغراق در شهود عالم ملکوت میسر است و هر چیز دیگری تنها در صورت کمک به این حالت، در شمار مطلوب های آدمی قرار می گیرد.

شجاری ادامه داد: بحث از خیر و سعادت با اصطلاحات کمال و لذت در ارتباط است. خواجه نصیر، همانند ابن سینا، بر این باور است که هر موجود زنده ای طالب لذت است و لذا در بحث از خیر مختص به انسان یعنی سعادت، موضوع لذت و اقسام آن را مطرح می شود.

مدیر گروه فلسفه دانشگاه تبریز گفت: لذت دو قسم است: لذت حسی و لذت عقلی. لذت حسی خود، بر دو قسم تقسیم می شود: لذت حسی ظاهر مانند لذت خوردن و لذت حسی باطن مانند شوق و امید. مردم عوام به اشتباه گمان می کنند که قوی ترین لذت، لذت حسی است و رسیدن به آن موجب سعادت است. از نظر خواجه نصیر، ضعیف ترین نوع لذت، لذت حسی و قوی ترین نوع آن، لذت عقلی است؛ زیرا قوی ترین لذت، لذتی است که ادراک آن، قوی تر باشد. خواجه نصیر بنا بر تعریفی که از لذت ارائه داده است، «سعادت» را متقوم به 4 اصل می داند.

وی در شمار این 4 اصل گفت: بنا بر اصل اول، هر قوه نفسانی لذت و خیری مختص به خود دارد. لذت چشم در دیدن مناظر زیبا و لذت گوش در شنیدن الحان نیکوست. در این لذت های حسی، آدمی با حیوانات مشترک است. همه قوای نفس در این امر مشترکند که آنچه موافق و ملائم با طبع آنهاست، خیر آنها و لذت برای آنهاست. اصل دوم بر این مبناست که قوای نفس مراتب مختلفی دارند. قوه ای که کمالش شریف تر، بیشتر و بادوام تر است، دارای ادراکی شدیدتر و لذتی قوی تر است. اصل سوم می گوید لذت بعضی از کمالات، گرچه معلوم است؛ اما چون هنوز برای نفس حاصل نشده، قابل تصور نیست و اصل آخر اینکه گاهی مانع یا مشغولیت هایی برای نفس حاصل است که نسبت به کمال و لذتی اکره دارد و ضد آن را طالب است. در این مواقع با زایل شدن مانع، نفس به طبع اصلی خویش باز می گردد.

دانشیار دانشگاه تبریز گفت: خواجه نصیر با توجه به این اصول بیان می کند که شخص عاقل نباید همانند حیوانات تنها به لذت های حسی اکتفا کند؛ بلکه در معرفت عقلی به مبادی اولای وجود و به خداوند تعالی، لذتی بسیار برتر از لذت های حسی وجود دارد. با اینکه ما خداوند تعالی را مشاهده نکرده ایم، علم داریم که چنین لذت هایی وجود دارد؛ این علم ما شبیه علم یقینی شخص ناشنوا به لذت الحان نیکوست، در حالی که خود، آن الحان را نشنیده است. در هر حال، لذت مختص به عقل دو قسم است: یکی مربوط به نظر که لذت معرفت حق است و دیگری مربوط به عمل که لذت معرفت زیبایی است.